

امید ناامیدان

بازی فریبکارانه انتخابات ریاست جمهوری با پیروزی از قبل تعیین شده احمدی نژاد به پایان رسید. مردمی که طی دو هفته گذشته با امید بسیار و آرزوهای کوچک به خیابان آمده بودند و گمان می کردند که "اینبار فرق می کند" مبهوت و سرخورده شده اند. نیروهای سازمان یافته امنیتی و انتظامی و جناحی از دستگاه روحانیت شیعه که مهره وقیح و دروغگوی خود را طبق نقشه قبلی دوباره به حکومت رسانده اند، در آماده باش کامل به سر می برند. اگر آدم با چشمان باز به آنچه در حاشیه کارزارهای انتخاباتی می گذشت می نگریست و فقط به شور و شوق ساده دلانه دختران و پسران جوان در خیابان ها اکتفا نمی کرد، می توانست تقلب بزرگ را پیش بینی کند. به عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی پیشاپیش اطمینان داده شده بود که احمدی نژاد پیروز انتخابات است. تبلیغ شایعه سازان اطلاعاتی و کسانی که از سوی دستگاه حاکمه به نظر سنجی در سطح جامعه مشغول بودند، از دو هفته قبل این بود که: "مقام رهبری با احمدی نژاد است پس او حتما برنده است." تهدیدهای مقامات نیروی انتظامی علیه برگزاری تظاهرات های بدون مجوز که درست در آستانه رای گیری انجام گرفت، خبر از سازماندهی چنین تقلبی می داد.

آیا آنچه در مقابل چشم جامعه می گذرد، سندی دیگر مبنی بر عدم مشروعیت جمهوری اسلامی است؟ آیا سازشکاران و مرتجعان "دمکرات" شده ای که ذهن مردم را طی چند هفته گذشته بمباران کردند و تعداد بسیار زیادی را به امید تغییر به پای صندوق های رای کشاندند، امروز حرفی برای گفتن دارند؟ واقعیت اینست که نظام حاکم مثل همیشه برنده انتخابات بود. شرکت گسترده مردم، به حساب مشروعیت نظام نوشته شد. این هدف اصلی از برگزاری بازی انتخابات بود. قانع کردن و یا واداشتن توده های ناراضی به شرکت در این بازی ارتجاعی، نکته مشترکی بود که نه فقط جناح های مختلف جمهوری اسلامی بلکه قدرت های امپریالیستی نیز موافقش بودند. به مردمی که مدتها بود اعتماد و اطمینانی به دستگاه حاکمه نداشتند، این فریب را قبول کردند که نه فقط مجبورید از بین بد و بدتر یکی را انتخاب کنید، بلکه خوشحال باشید که اینبار "بد پیروز خواهد شد"! کفایت به تبلیغات سه هفته گذشته «صدای آمریکا» و «بی بی سی فارسی» دقت کنید که چگونه دست در دست رژیم اسلامی در تنور انتخابات دمیدند و مردم مردد و بی اعتماد را متقاعد کردند که با دخیل بستن به حرم موسوی و کروی می توان وضع را بهتر کرد. و همین رسانه های امپریالیستی را ببینید که بعد از انتشار نتایج آراء، حالا با تمام قوا می کوشند که جوانان خشمگین را از اعتراض و شورش باز دارند. آیا نفوذ تفکرات سازشکارانه و سیاست های توهم آفرین در میان مردم آنقدر بوده که نیروی اعتراض را اخته کند و آتش مبارزه علیه این مستبدان وقیح را فرو نشاند؟

همه این وقایع اگر هیچ فایده ای برای توده های مردم نداشته باشد این نفع را دارد که به توهم و خوشخیالی ضربه می زند. جوانانی که روز و شب شعار می دادند و می خواندند و می رقصیدند و امید به شکافتن دیوار ستم و استبداد را داشتند، آیا به این بیدادگری گردن خواهند گذاشت؟ و در این میان، سوال ما از کارگران مبارز و فعالان آگاه مرتبط با جنبش کارگری اینست که آیا با در حاشیه ماندن می توان پیشتاز و پرچم تحولات جامعه بود؟ موضع گیری های پراکنده و گاه مبهم و غیر صریحی که اینجا و آنجا به نام تشکل ها و فعالان کارگری علیه مضحکه انتخابات انجام گرفته، به هیچ وجه کافی نیست. باید حساسیت اوضاع را درک کرد و هر چه سریعتر شعارها و سیاست های مناسب و صحیحی را تدوین کرد و به محیط های مختلف کار و اقامت توده ها برد؛ به خیابان برد. باید بار دیگر این حقیقت اساسی را با صدای رسا در سراسر جامعه، در میان بهت و سرخوردگی عمومی فریاد کرد که: تنها امید ناامیدان، انقلاب است!

فردا از آن طبقه کارگر است!

«جمعی از فعالین کارگری» (JAFK)

۲۳ خرداد ۸۸